

### متن پرسش

با سلام: در بحث وحدت شخصی وجود و اختیار من دچار نوعی تناقض میشم. چون وقتی با نگاه وحدت شخصی وجود جلو می‌روم، خودم نفی می‌شوم. فقط خدا می‌ماند و من و دیگر اشیاء محل ظهور اراده های خداوند می‌شیم. چطور می‌توان از یکسو اراده و اختیار باشد و از سوی دیگر نگاه وحدت وجودی داشت؟ من از دیدگاه نظری نمی‌توانم این دو را با هم جمع کنم. اگر به وحدت وجود اصالت دهم به الکل اختیارم سلب می‌شود. اگر دیدگاه وحدت وجود درست است، چطور خود شما در اربعین، اعتکاف شرکت می‌کنید. آیا غیر از این است که می‌خواهید اراده شما فانی شود. خوب هرچه فانی تر شوید باید بی اختیار تر شود. حال اینکه می‌بینم شما خلاف وحدت وجود حرکت می‌کنید و سعی می‌کنید بر سرنوشت خودتان حاکم شوید. چگونه این تناقض اختیار و نگاه وحدت وجودی را حل می‌کنید؟ با تشکر!

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: معنای «وحدت وجود» به معنی نفی اختیار نیست. برای درک معنای حقیقی وحدت وجود، خوب است به کتاب «مبانی و اصول عرفان نظری» از استاد یزدان‌پناه رجوع شود. موفق باشید